■ سال هفدهم
■ شماره ۴۸۰۲
■ شنبه
■ ۷ خرداد ماه ۱۳۹۰
■ ۲۴جمادی الثانی ۱۴۳۲
■ ۲۸ مه ۲۰۱۱
تلفن گروه حوادث: ۸۸۷۶۱۶۲۰

فاطمه کوچولو قربانی توهم راننده مرگ

دختر کوچولو زمانی که برای خرید هدیه روز مادر با دوچرخه‌اش از خانه خارج شد، نمی‌دانست توهم مرد راننده سرنوشت تلخی را برایش رقم خواهد زد.فاطمه – ۷ ساله – دوشنبه دوم خرداد قلک کوچکش را شکست و سوار بر دوچرخه برای خرید هدیه روز مادر از خانه‌اش در شهر آباده خارج شد. پس از طی مسافتی دخترک برای استراحت زیر سایه درختی ایستاد که «راننده مرگ» بعد از برخورد با دو درخت او را زیر گرفت. فاطمه سریع به بیمارستان منتقل شد که در آنجا بر اثر شدت جراحات جان سپرد.به گزارش ایسنا، در تحقیقات پلیس هم مشخص شد راننده به علت مصرف مواد مخدر دچار توهم شده و با سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت حرکت می‌کرده است.قاضی پرونده پس از تحقیق از راننده خاطی او را با قرار تأمین مناسب به زندان فرستاد.
تحقیقات درباره این حادثه هولناک از سوی مأموران پلیس شهر آباده ادامه دارد.

هشدار پلیس

خلأ قانونی برای مقابله با مصرف مواد مخدر صنعتی

فرمانده نیروی انتظامی، چهار برابر شدن قیمت مواد مخدر سنتی و سخت شدن انتقال آن به ایران را از عوامل اصلی گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی اعلام کرد. سردار اسماعیل احمدی مقدم در جمع خبرنگاران گفت: خلأ قانون در کشور برای مقابله با مصرف مواد صنعتی نیز از عوامل افزایش مصرف این مواد است. به همین دلیل مبارزه در این مورد جدی‌تر شده و در حال کنترل است.
وی درباره آمار تعداد معتادان کشور گفت: در حال حاضر آمار دقیقی از معتادان کشور نداریم اما براساس آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر، یک میلیون و ۲۰۰ هزار معتاد شناسایی شده که علاوه بر این ۸۰۰ هزار نفر نیز تفننی مواد مخدر مصرف می‌کنند.
احمدی مقدم تغییر الگوی مصرف مواد مخدر سنتی به صنعتی را یک هشدار دانست و افزود: اجرای برنامه‌های فرهنگی برای پیشگیری از مصرف مواد صنعتی، می‌تواند در کاهش این معضل اجتماعی تأثیرگذار باشد.

نگاه کارشناس

زورگیری عامل افزایش اضطراب در جامعه

غلامرضا استیفا ـ جامعه‌شناس

زورگیری در جامعه می‌تواند احساس اعتماد نسبت به افراد را کاهش دهد و موجب افزایش اضطراب و بی‌اعتمادی در جامعه شود.
قتل و ضرب و جرح از جمله پیامدهای زورگیری است و از آنجا که فرد زورگیر به سلاح سرد مجهز است، می‌تواند خسارت‌هایی را به قربانی وارد نماید. این در حالی است که زورگیران هیبت خاصی در جامعه ندارند و نمی‌توانند آنان را از قبل شناسایی کنند.به نظر می‌رسد ریشه اصلی معضل زورگیری، مسائل اقتصادی و پائین بودن اخلاق اجتماعی و فرهنگی باشد. حال آن‌که برخی از موارد زورگیری به دلیل بیماری یا رفتار سادیسمی افراد رخ می‌دهد و تنها هدف زورگیران آزار و اذیت دیگران است.بررسی‌ها نشان می‌دهد شرایط محیطی در وقوع جرم زورگیری مؤثر است، حال آن‌که زورگیران به دنبال فضاهایی هستند تا بتوانند جرایم خود را به راحتی انجام دهند. به همین خاطر با شگردهای مختلف قربانیان را به مناطق خلوت کشانده و با نقشه‌ای از پیش تعیین شده زورگیری می‌نمایند.بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود فضاهای شهری باید طوری طراحی شوند که از دید کاملی برخوردار باشند تا زمینه وقوع چنین جرایمی کاهش یابد.در همین حال مطالعه و بررسی متهمان زورگیری از جمله راهکارهای مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم است. ضمن اینکه پس از دستگیری متهمان زورگیری، باید بررسی‌های علمی روی آنان انجام شود تا وقوع چنین جرایمی ریشه‌یابی شود. پلیس هم باید ضمن بالا بردن توانایی‌هایش به گونه‌ای عمل کند که مجرمان احساس کنند مأموران پلیس از هوشیاری و توانایی بسیار زیادی برخوردارند. پس اقدامات پلیسی باید بسیار جلوتر از مجرمان باشد تا آنها نتوانند به راحتی مرتکب جرم شوند.

آخرین حرف‌ها
قاتل ۵ زن پای چوبه دار چه گفت

گروه حوادث محمدغمخوار

پرونده زندگی راننده «ارابه مرگ» که ۵ زن را در قزوین به قتل رسانده بود، سحرگاه پنجشنبه با اجرای حکم اعدام، در یکی از محله‌های قزوین و در مقابل چشمان مردم بسته شد.

به گزارش خبرنگار ما، «مهدی» ۳۸ ساله از ۱۲ اردیبهشت ۸۸ جنایت‌های سریالی‌اش را در قزوین آغاز کرد. «کیمیا»- ۵۲ ساله- نخستین قربانی قاتل سریالی بود که پنج روز پس از ناپدید شدن، جسدش در جاده کمال‌آباد کشف شد. او سه ماه بعد هم «اقدس» ۶۲ ساله را قربانی سرقت طلاهایش کرد.

در ادامه با پیدا شدن جسد سه زن دیگر به نام‌های «یاسمن»، «محترم» و «کبری»، کارآگاهان جنایی پلیس فرضیه قتل‌های سریالی را تحت بررسی قرار دادند. آنها پس از تجسس‌های گسترده، «مهدی» را در محله «مینودر» شناسایی کرده و ۲۶ اردیبهشت ۸۹ او را دستگیر کردند. مرد جنایتکار در تحقیقات و جلسه دادگاه با اعتراف به قتل پنج زن گفت: هیچ انگیزه‌ای برای جنایت نداشته و فقط نیروهایی شیطانی به او دستور این کارها را می‌داد. قضات شعبه دوم دادگاه کیفری استان قزوین پس از محاکمه «مهدی»، او را به پنج بار قصاص محکوم کردند. با اعتراض متهم، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد که قضات شعبه ششم دیوان هم حکم را تأیید کردند. پس از استیذان حکم مجازات قاتل از سوی رئیس قوه قضائیه، پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای قزوین فرستاده شد. سرانجام هم سحرگاه پنجشنبه ۵ خرداد، «مهدی» ۳۵۷ روز پس از دستگیری پای چوبه دار رفت و در ملأ عام به دار مجازات آویخته شد.

حاشیه‌های اعدام

● از یک ساعت قبل از اجرای حکم، جمعیت زیادی در محل اجرای حکم- خیابان ایران گاز- تجمع کرده بودند.
● مأموران بامداد پنجشنبه «مهدی» را از زندان مرکزی قزوین به اداره آگاهی منتقل کردند.
● در اداره آگاهی ابتدا مجازات ۷۴ ضربه شلاق قاتل سریالی اجرا شد و مرد جنایتکار پس از نوشتن وصیتنامه‌اش، به محل اجرای حکم انتقال یافت.
● ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه خودروی حامل «مهدی» در حالی که دو خودروی پلیس آن را همراهی می‌کردند، وارد محوطه اجرای حکم شد.
● قاتل سریالی قبل از اجرای حکم، توانست برای آخرین بار با برادرش دیدار کند و از او حلالیت خواست.
● پس از قرائت حکم از سوی نماینده دادستان و صحبت‌های کوتاه «مهدی» با اولیای دم، ساعت هفت صبح، حکم از سوی پسر «کیمیا»- نخستین قربانی- به عنوان نماینده اولیای دم اجرا شد.
● پسر «کیمیا» پس از اجرای حکم به خبرنگاران گفت: دو سال است منتظر این لحظه بودم تا قاتل مادرم را بالای چوبه دار ببینم.

● ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه جسد «مهدی» از چوبه دار پائین آورده شد و با تأیید مرگش از سوی نماینده پزشکی قانونی، به سردخانه انتقال یافت.
● در این مراسم مسئولان دادگستری همکاری خوبی با خبرنگاران و عکاسان برای تهیه خبر و عکس داشتند.
● یکی از کارکنان زندان که در محل حضور داشت، در جمع خبر نگاران گفت: «مهدی» در این مدت رفتار خوبی با زندانیان و مسئولان زندان داشت و خانواده‌اش همیشه به ملاقاتش می‌آمدند.

گفت‌وگو با راننده ارابه مرگ

مانند همیشه آرام بود؛ به پرسش‌ها کوتاه پاسخ می‌داد. انگار نه انگار قرار است چند دقیقه دیگر پای چوبه دار برود.

انگیزه‌ات از کشتن زن‌ها چه بود؟

مشکلات مالی و روحی. انگار نیرویی به من دستور می‌داد این قتل‌ها را انجام دهم اما سرقت طلای زنان هم بی‌تأثیر نبود.

الآن که در یکقدمی مرگ هستی، از جنایت‌هایت پشیمانی؟

پشیمانم اما فایده‌ای ندارد. فقط امیدوارم اولیای دم مرا ببخشند. در این یک سال توبه کرده‌ام و از خدا خواسته‌ام توبه‌ام را قبول کند.

از مرگ نمی‌ترسی؟

از خیلی وقت پیش منتظر این لحظه‌ام. وقتی دستگیر شدم، می‌دانستم پایان کارم اعدام است.

خانواده‌ات به ملاقاتت می‌آمدند؟

بله؛ آخرین بار روز یکشنبه آنها را دیدم.

و حرف پایانی...

از اولیای دم می‌خواهم مرا ببخشند. در وصیتنامه‌ام نیز از خانواده‌ام خواسته‌ام برای من حلالیت بگیرند.
وقتی مأموران برای اجرای حکم به او نزدیک شدند، راننده «ارابه مرگ» برای همیشه سکوت کرد. بدین ترتیب پرونده دومین قاتل سریالی زنان قزوین با اجرای حکم اعدام بسته شد.

سناریوی مرگبار برای ۴ عضو خانواده

گروه حوادث راز مرد معتاد که پس از قتل چهار عضو خانواده عمویش، برای صحنه‌سازی خانه را به آتش کشیده بود، در گزارش پزشکی قانونی فاش شد.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۹ اسفند ۸۹ کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان تبریز از مرگ مشکوک چهار عضو خانواده‌ای در آتش‌سوزی خانه‌ای باخبر شدند. مأموران پس از حضور در محل دریافتند «راضیه» ۷۰ ساله، «مرضیه» ۴۰ ساله، «سیما» ۱۹ ساله و «مینا» ۱۰ ساله هنگام آتش‌سوزی در خانه حضور داشتند که براثر شدت سوختگی جان باخته بودند.

تحقیقات در این‌باره ادامه داشت تا اینکه گزارش پزشکی قانونی راز قتل چهار عضو این خانواده را فاش کرد. در این گزارش اعلام شده بود آثار درگیری و جراحت بر روی بدن قربانیان مشاهده شده است.

کارآگاهان سپس اعضای خانواده قربانیان را به صورت نامحسوس تحت کنترل قرار داده و به برادرزاده صاحبخانه به نام «شهرام» - ۳۰ ساله - مشکوک شده و او را دستگیر کردند. متهم در ابتدا منکر هرگونه جرمی شد، اما در ادامه لب به اعتراف گشود و راز این جنایت را فاش کرد.

او به مأموران گفت: صبح ۲۹ اسفند ۸۹ پس از مصرف مواد مخدر به خانه عمویم رفتم تا از آنها پول بگیرم. مرضیه، زن‌عمویم از دادن پول خودداری کرد و قصد داشت موضوع را به همسرش بگوید. من هم برای اینکه او را از این کار منصرف کنم، چاقویی از آشپزخانه برداشته و با چند ضربه او را کشتم. راضیه - مادر زن‌عمویم - با دیدن این صحنه قصد فرار داشت که زن ۷۰ ساله و دو دخترعمویم به نام‌های سیما و مینا را نیز از پا درآوردم.بعد از سرقت طلاهای قربانیان شلنگ گاز را بریدم تا با انفجار خانه، راز جنایتم فاش نشود. مرد جنایتکار پس از اعتراف به قتل و بازسازی صحنه جنایت با قرار قانونی روانه زندان شد. تحقیقات درباره این قتل‌ها از سوی کارآگاهان پلیس جنایی تبریز ادامه دارد.

پشت پرده زندگی زن و شوهر مقیم خارج

گروه حوادث مرد جوان که به خاطر موقعیت شغلی خود همراه خانواده‌اش راهی خارج از کشور شده بود، وقتی با پیشرفت مالی خیره‌کننده همسرش روبه‌رو شد با طرح نقشه‌ای ابتدا او را خانه‌نشین و سپس راهی ایران کرد.

به گزارش خبرنگار ما، رسیدگی به اختلاف جنجالی این زوج از چندی قبل و در پی مراجعه مرد جوان و وکیلش به دادگاه خانواده تهران کلید خورد. شاکی که خود را کارمند یک شرکت خارجی معرفی می‌کرد در حالی‌که خواستار محکومیت همسرش به تمکین و ادامه زندگی در خانه مشترک بود به قاضی گفت: من و همسرم چند سال پیش با هم ازدواج کرده و دو فرزند داریم. در این سال‌ها با وجود پیشرفت‌های مالی و شرایط خوب خانوادگی سالم انتظار آینده‌ای روشن و مطمئن را داشتم اما افسوس که خوشبختی ما دوام چندانی نیافت. چرا که همسرم با بهانه‌جویی‌هایش زندگی‌مان را تباه کرد و حالا ۳ سال است که «ناهید» من و فرزندانم را ترک کرده و حاضر به ادامه زندگی نیست. او بی‌دلیل بنای ناسازگاری گذاشته و با وجود ارسال چندین اظهارنامه هم راضی به بازگشت نیست. بنابراین تقاضای محکومیتش به تمکین را دارم و در صورت ادامه این وضع، انتظار دارم همسرم ناشزه معرفی شود. قاضی پرونده پس از دریافت این شکایت، زن را به دادگاه فرا خواند. اما وی برخلاف ادعاهای همسرش گفت: پس از ازدواجمان بنا به شرایط و ضرورت شغلی شوهرم به یک کشور همسایه سفر کردیم. در حالی که صاحب ۲ بچه بودم، تصمیم به ادامه تحصیل گرفتم و علاوه بر خانه‌داری و نگهداری از فرزندانمان، با تلاش فراوان در دانشگاه پذیرفته شدم. پس از پایان تحصیلاتم نیز با شراکت یکی از شهروندان کشور محل زندگی‌مان شرکت بازرگانی دایر کردیم. اما با توجه به قوانین آن کشور باید هر گونه معاملات اقتصادی با موافقت شوهرم صورت می‌گرفت.

اما کم‌کم همسرم که از توسعه کار و پیشرفتم ناراضی و دلخور بود، بنای ناسازگاری گذاشت. او با تشکیل پرونده‌های واهی و دستکاری گذرنامه‌ام، مرا متهم به جعل کرد و موجبات عسر و حرج مرا فراهم آورد. به طوری که با توطئه او گذرنامه‌ام ضبط و توقیف شد و از آن کشور نیز اخراج شدم. او مرا با وضعیت اسفباری به ایران فرستاد ضمن این‌که امکان دسترسی به او و فرزندانم را نیز نداشتم.
زن جوان با ناراحتی ادامه داد: من به اراده و میل خود آن کشور را ترک نکردم، بلکه ناخواسته از آنجا رانده شدم. حالا هم از زندگی، فرزندانم و سرمایه‌ام دور مانده‌ام و زندگی سختی را در کنار خانواده پدری می‌گذرانم.
اگر منظور شوهرم از تمکین و حضور در خانه‌اش در خارج از کشور است باور کنید یک لحظه هم تردید نخواهم کرد. ضمن این‌که در این مدت تمام تلاشم را برای بازگشت نزد عزیزانم به کار بسته‌ام. اما مؤثر واقع نشد.با این وجود قاضی دادگاه زن جوان را محکوم به تمکین کرد و ادعاهای وی را در نقض این حکم مؤثر ندانست.
اما با اعتراض وی به رأی دادگاه پرونده روی میز هیأت قضایی شعبه ۲۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران قرار گرفت. بنابراین هیأت قضایی شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - «میرغفاری و صلواتی» - مرد را محکوم کردند تا خانه‌ای مناسب با امکانات رفاهی برای همسرش در نظر بگیرد و مقدمات دیدار فرزندان و زندگی در کنار آنان را نیز فراهم نماید.

شرط آزادی نوجوان کیف قاپ

گروه حوادث پسر نوجوان که برای درمان مادر بیمارش دست به سرقت زده بود با حکم دادگاه باید مسجد محل زندگی‌شان را جارو بزند.

اوایل پائیز ۸۹ دو زن هنگام خروج از یک مرکز خرید در شمال تهران متوجه سرقت کیف پول‌شان شدند. آنها بلافاصله به مأموران انتظامات مستقر در مرکز تجاری مراجعه کردند. لحظاتی بعد و به دنبال بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته، دزد نوجوان در پارکینگ شناسایی و دستگیر شد. پسر ۱۷ ساله در حضور مأموران به سرقت ۲ کیف پول اعتراف کرد و ضمن ابراز ناراحتی و پشیمانی با چشمان اشکبار گفت: «باور کنید تا به حال مرتکب هیچ جرمی نشده بودم و این بار هم فقط به خاطر مادر بیمارم مجبور به دزدی شدم. حالا هم از شاکی‌ها تقاضای بخشش دارم.»سارق پشیمان در ادامه بازجویی گفت: چند سال قبل پدرم بر اثر بیماری و فقر مرد. در این سال‌ها نیز زندگی سخت و پردردی داشتیم تا اینکه مادرم دچار بیماری کلیوی شد و پزشکان اعلام کردند نیاز به پیوند کلیه دارد.از آنجا که نمی‌خواستم تنها تکیه‌گاهم را نیز از دست بدهم، روز و شب به دنبال وام و یافتن کار بودم، اما افسوس که همه درها به رویم بسته بود و مادر بیمارم مثل شمع در برابر چشمانم می‌سوخت و از بین می‌رفت تا اینکه با مشاهده آگهی استخدام، روانه مرکز تجاری شمال تهران شدم تا شاید بتوانم مادر بیمارم را از زندگی پردرد و رنج نجات دهم، اما متأسفانه به نتیجه نرسیدم. در راه برگشت چشمم به ۲ زن میانسال شیک‌پوش افتاد. همان موقع با خودم گفتم آنها به‌طور حتم چند میلیون تومان پول، طلا و جواهر دارند. بنابراین برای لحظه‌ای وسوسه شده و در فرصتی مناسب کیف‌پولشان را زدم. بعد هم با سرعت به طرف پارکینگ دویدم تا فرار کنم که دستگیر شدم.
پرونده پسرک پس از دستگیری با صدور قرار مجرمیت از سوی بازپرس دادسرای سعادت‌آباد به مجتمع قضایی قدس ارسال شد و قاضی محکمه وی را به ۸ ماه زندان و ۶۰ ضربه شلاق محکوم کرد.پس از اعتراض متهم به رأی دادگاه و قطعی شدن مجازاتش، وی روانه زندان شد، اما با گذشت نیمی از دوران محکومیتش او خواستار آزادی مشروط شد. در این مرحله، دادیار اجرای احکام زندان، پرونده وی را که دارای صلاحیت اخلاقی بود، در اختیار هیأت قضایی شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران قرار داد. قاضی «مهدی رضایی» - رئیس - و «محمد ایرانی» - مستشار - پس از بررسی پرونده و وضعیت خانوادگی پسر نوجوان و مادرش، دستور آزادی پسر زندانی را صادر کردند، مشروط بر اینکه او هفته‌ای دو بار مسجد محل‌شان را تمیز کند و هیأت امنای مسجد هم ناظر اجرای حکم باشند.

۴ شیطان صفت در شیراز اعدام شدند

گروه حوادث چهار تبهکار به اتهام سرقت‌های مسلحانه، آدم‌ربایی، آزار و اذیت زنان در دو منطقه شهر شیراز در ملأ عام به دار مجازات آویخته شدند.

به‌گزارش ایرنا، حمید رنجبر اسلام‌لو و حمیدرضا باقری ده‌کره به اتهام‌های سرقت‌های مسلحانه، آدم‌ربایی، تخریب عمدی، ضرب و شتم و... در میدان کوزه‌گری شیراز به دار آویخته شدند.
همچنین مسعود دهقان و مهدی علی‌پور به اتهام آزار و اذیت زنان در شهرک گلستان- شیراز- در مقابل چشمان مردم اعدام شدند.